

مطلب ششم - تاکید در تقدیس و انقطاع

قوله تعالی: بنام گوینده دانا قلم اعلی این ایام بلسان پارسی تکلم میفرماید تا طایران هوای عرفان بیان رحمن را بیابند و بآنچه مقصود است فائز گردند که شاید از شرور نفوس اماره محفوظ مانند و امین را از خائن بشناسند و مقبل را از معرض تمیز دهند بعضی از نفوس ضاله کاذبه ناس را از اوامر الهی منع نمایند و بنواهی دلالت کنند و مع ذلک خود را بحق نسبت میدهند انه برئ منہم یشهد بذلک لسان العظمة و عن ورائه کل الالواح و عن ورائها کل مساء و صباح بعضی اموال ناس را حلال دانسته و حکم کتاب را سهل شمردہ علیهم دائره السوء و عذاب الله المقتدر القدير قسم بآفتاب افق تقدیس که اگر جمیع عالم از ذهب و فضه شود نفسیکه فی الحقیقه بملکوت ایمان ارتقا بسته ابدًا بآن توجه ننماید تا چه رسد باخذ آن و اینمقام بلسان عربی اعلی و لغت فصیحی از قبل نازل لعمر الله اگر نفسی حلاوت آنرا بیابد ابدًا بغير ما اذن الله عمل ننماید و بغير دوست ناظر نشود و فنای عالم را بعین بصیرت مشاهده نماید و قلبش بعالم بقا متصل گردد بگو ای مدعیان محبت از جمال قدم شرم نمائید و از زحمات و مشقاتی که در سبیل الهی حمل نموده پند گیرید و متنبه شوید اگر مقصود این اقوال سخیفه و اعمال باطله بود حمل این زحمات بچه جهت شده هر سارق و فاسقی باین اعمال و اقوال شما قبل از ظهور عامل بوده براستی میگویم ندای احلی را بشنوید و خود را از آرایش نفس و هوی مقدس دارید

حق ظاهر شده که ناس را بصدق و صفا و دیانت و امانت و تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و تقی دعوت نماید و باثواب اخلاق مرضیه و اعمال مقدسه کل را مزین فرماید بگو بر خود رحم نمائید و امر الهی را که مقدس از جوهر تقدیس است بظنون و اوهام نجسه نالایقه نیالائید .